

نام و نام خانوادگی: فاطمه خیری حبیب آبادی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

رشته و گرایش: فلسفه و کلام اسلامی

دانشکده: زبان و ادبیات و فارسی

استاد راهنما: دکتر محمد مهدی مشکاتی

استاد مشاور: دکتر جعفر شانظری

عقل از دیدگاه شیخ مفید و علامه مجلسی

تاریخ دفاع: ۱۳۹۱/۱۲/۲۲

چکیده:

عقل مطمئن ترین منبع معرفت بشری، میزان و راه تشخیص درست و نادرست، حق و باطل، صدق و کذب، خیر و شر و خوشبختی و بدبختی است. قرآن کریم عالی ترین معیار فضیلت انسان بر سایر مخلوقات جهان مادی را عقل می داند. (اسراء/۷۰) در اهمیت عقل همین بس است که خداوند به واسطه آن به انسان شایستگی تعقل را ارزانی داشته است. و انبیاء را که محبوب ترین بندگانش نزد او هستند، از میان عاقل ترین انسان ها برانگیخت و از آنان پیمان گرفت تا در جهت تکامل عقلی امتش بکوشند. خدای سبحان انسان را این چنین آفریده که در مسائل فکری و نظری حق را از باطل و در مسائل عملی خیر را از شر و نافع را از مضر تشخیص دهد. از آن جایی که عقل انسان محدود است، لذا حد معرفتی او نیز محدود است، به علاوه گاهی نیز تمایلات نفسانی حجاب آن می گردد.

لغت عقل معانی مختلفی دارد. اصل عقل امساک، پیوند دادن و نگهداشتن است. متضاد کلمه عقل در لغت عرب جهل است و جهل در اصل به معنای عمل بدون تأمل یا عمل ناسنجیده بوده است. تعقل و تفکر از جنبه های گوناگون قابل تامل و بررسی می باشد. نگارنده سعی نموده در نوشتار خود برداشت های شیخ مفید که متکلم برجسته شیعه و نماینده گرایش عقلی در مذهب شیعه اثناعشری می باشد و علامه مجلسی که در شرح اصول کافی به مسئله عقل پرداخته است را درباره عقل مورد تحقیق و کاوش قرار دهد و ضمن مقایسه این دودیدگاه، تاملی تازه در متون مربوط به عقل داشته باشد. هر چند این دو فرزانه هر یک با نوع نگرشی که به مسئله عقل داشته اند توانسته اند راه های ناهموار و گره های ناگشوده را باز و هموار نمایند، اما به حکم عقل مسیر تحقیق و بررسی در باب مسائل مختلف هیچ گاه نقطه پایانی ندارد و خود عقل و ماهیت آن نیز از این قاعده کلی مستثنی نیستند، از این رو نگارنده تلاش نموده در پرتوآرای شیخ مفید و علامه مجلسی تبیین گویا و رسا درباره ماهیت عقل ارائه نماید.

مطالب این پایان نامه در ۴ فصل تنظیم شده است. فصل اول یعنی کلیات شامل بحث های مقدماتی نظیر مقدمه، شرح و بیان مسئله پژوهشی، عقل در لغت و اصطلاح و جایگاه عقل در قرآن و روایات و در اصطلاح فیلسوفان می باشد.

در فصل دوم عقل از دیدگاه شیخ مفید بررسی شد که شیخ مفید عقل را مجموعه علومی می داند که با آن تمییز خیر و شر و ادراک واقع صورت می گردد. از نظر ایشان عقل برای آن است که از آموزه های اساسی که از طریق وحی استقرار یافته دفاع کند. همچنین بر انفکاک ناپذیر بودن عقل و وحی تاکید می نماید. در فصل سوم به دیدگاه علامه مجلسی پرداخته شد که وی ضمن بیان ۶ معنا برای عقل معتقد است تنها مسئله ای که عقل در آن حق نظر دارد معرفت امام است و بعد از آن می باید عقل را تعطیل کرد، چون عقل فراوان خطا می کند. فصل چهارم نتیجه گیری و تطبیق نظرات آن دو دیدگاه می باشد. نگارنده در این قسمت پس از نقل دیدگاه شیخ مفید و علامه مجلسی درباره معنای عقل، نقاط اشتراک و افتراق نظر این دو اندیشمند را ذکر کرده است.

کلید واژه: عقل، تعقل، شیخ مفید، علامه مجلسی، معرفت، وحی، نقل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی فلسفه و کلام اسلامی گرایش کلام اسلامی

عقل از دیدگاه شیخ مفید و علامه مجلسی

استاد راهنما:

دکتر محمد مهدی مشکاتی

استاد مشاور:

دکتر جعفر شاه نظری

پژوهشگر:

فاطمه خیری حبیب آبادی

اسفند ماه ۱۳۹۱

پیشکش بہ:

او کہ در گل پوش بہار می آید و طنین سبز قدم ہائش، باغ اندیشہ ہارا جانی سبزی بخشد.

کرامت و لطف بہاران با او ست کہ او، حقیقت بہار است.

(السلام علی ربیع الأنام و نضرہ الیام)

شکر

سلوک منصفانه اقتضای کند که این نوشتار را محصول نعمت سفره اساتید بزرگ بدانم و بر سبیل حق شناسی و ادای دین پاس گزار

استادان بزرگوار در حوزه‌ی دانشگاه و پدر و مادر دلسوز و بهسر مهربانم باشم.

بی شک اگر ضعف و خامی در این تحقیق مشاهده شود به محقق و اگر قوتی باشد به فریختگان عرصه علم استساب دارد.

باشکر از همه کسانی که بخارنده را در تقدیم این تحفه ناچیزیاری نمودند.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فلسفه و کلام اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی خانم فاطمه خیری حبیب آبادی

تحت عنوان:

عقل از دیدگاه شیخ مفید و علامه مجلسی

در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۲ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه به تصویب نهایی رسید.

امضا	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر محمد مهدی مشکاتی	۱- استاد راهنمای پایان نامه
امضا	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر جعفر شاهنظری	۲- استاد مشاور پایان نامه
امضا	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر فروغ السادات رحیم پور	۳- استاد داور داخل گروه
امضا	با مرتبه ی علمی استادیار	دکتر فتحعلی اکبری	۴- استاد داور خارج از گروه

امضای مدیر گروه

دکتر علی ارشد ریاحی

کلیه‌ی حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع این پایان‌نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.

چکیده

عقل مطمئن ترین منبع معرفت بشری، میزان و راه تشخیص درست و نادرست، حق و باطل، صدق و کذب، خیر و شر و خوشبختی و بدبختی است. قرآن کریم عالی ترین معیار فضیلت انسان بر سایر مخلوقات جهان مادی را عقل می داند. (اسراء/۷۰) در اهمیت عقل همین بس است که خداوند به واسطه آن به انسان شایستگی تعقل را ارزانی داشته است. و انبیاء را که محبوب ترین بندگانش نزد او هستند، از میان عاقل ترین انسان ها برانگیخت و از آنان پیمان گرفت تا در جهت تکامل عقلی امتش بکوشند. خدای سبحان انسان را این چنین آفریده که در مسائل فکری و نظری حق را از باطل و در مسائل عملی خیر را از شر و نافع را از مضر تشخیص دهد. از آن جایی که عقل انسان محدود است، لذا حد معرفتی او نیز محدود است، به علاوه گاهی نیز تمایلات نفسانی حجاب آن می گردد.

لغت عقل معانی مختلفی دارد. اصل عقل امساک، پیوند دادن و نگهداشتن است. متضاد کلمه عقل در لغت عرب جهل است و جهل در اصل به معنای عمل بدون تأمل یا عمل ناسنجیده بوده است. تعقل و تفکر از جنبه های گوناگون قابل تأمل و بررسی می باشد. نگارنده سعی نموده در نوشتار خود برداشت های شیخ مفید که متکلم برجسته شیعه و نماینده گرایش عقلی در مذهب شیعه اثناعشری می باشد و علامه مجلسی که در شرح اصول کافی به مسئله عقل پرداخته است را درباره عقل مورد تحقیق و کاوش قرار دهد و ضمن مقایسه این دودیدگاه، تاملی تازه در متون مربوط به عقل داشته باشد. هر چند این دو فرزانه هر یک با نوع نگرشی که به مسئله عقل داشته اند توانسته اند راه های ناهموار و گره های ناگشوده را باز و هموار نمایند، اما به حکم عقل مسیر تحقیق و بررسی در باب مسائل مختلف هیچ گاه نقطه پایانی ندارد و خود عقل و ماهیت آن نیز از این قاعده کلی مستثنی نیستند، از این رو نگارنده تلاش نموده در پرتو آرای شیخ مفید و علامه مجلسی تبیین گویا و رسا درباره ماهیت عقل ارائه نماید.

مطالب این پایان نامه در ۴ فصل تنظیم شده است. فصل اول یعنی کلیات شامل بحث های مقدماتی نظیر مقدمه، شرح و بیان مسئله پژوهشی، عقل در لغت و اصطلاح و جایگاه عقل در قرآن و روایات و در اصطلاح فیلسوفان می باشد. در فصل دوم عقل از دیدگاه شیخ مفید بررسی شد که شیخ مفید عقل را مجموعه علمی می داند که با آن تمییز خیر و شر و ادراک واقع صورت می گردد. از نظر ایشان عقل برای آن است که از آموزه های اساسی که از طریق وحی استقرار یافته دفاع کند. همچنین بر انفکاک ناپذیر بودن عقل و وحی تأکید می نماید. در فصل سوم به دیدگاه علامه مجلسی پرداخته شد که وی ضمن بیان ۶ معنا برای عقل معتقد است تنها مسئله ای که عقل در آن حق نظر دارد معرفت امام است و بعد از آن می باید عقل را تعطیل کرد، چون عقل فراوان خطا می کند. فصل چهارم نتیجه گیری و تطبیق نظرات آن دو دیدگاه می باشد. نگارنده در این قسمت پس از نقل دیدگاه شیخ مفید و علامه مجلسی درباره معنای عقل، نقاط اشتراک و افتراق نظر این دو اندیشمند را ذکر کرده است.

کلید واژه: عقل، تعقل، شیخ مفید، علامه مجلسی، معرفت، وحی، نقل

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات

۱-۱-۱	مقدمه	۱
۱-۱-۱	شرح و بیان مسئله پژوهشی	۲
۱-۱-۲	پرسش ها	۳
۱-۱-۳	اهداف تحقیق	۳
۱-۱-۴	اهمیت و ارزش تحقیق	۳
۱-۱-۵	پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق	۳
۱-۱-۶	روش تحقیق	۳
۱-۱-۷	کاربرد نتایج تحقیق	۴
۱-۲	معنای عقل در لغت و اصطلاح	۴
۱-۳	عقل نزد مترجمان و مفسران قرآن	۶
۱-۴	بررسی ارتباط واژه عقل با سایر لغات	۷
۱-۵	جایگاه عقل در فرهنگ اسلامی	۸
۱-۵-۱	عقل در قرآن	۸
۱-۵-۱-۱	تمجید از خردمندان	۹
۱-۵-۱-۲	دعوت به تعقل و سرزنش بی اعتنایان به عقل	۱۰
۱-۵-۱-۳	پست شمردن دوری از تعقل	۱۱
۱-۵-۲	معنای عقل در روایات (شواهد نقلی و روایی در بحث عقل)	۱۱
۱-۶	عقل در اصطلاح فیلسوفان مسلمان	۱۶
۱-۷	اصالت معرفت عقلی در اسلام	۱۷
۱-۷-۱	عقل و اصول دین	۱۷
۱-۷-۲	عقل و فروع دین	۱۷

فصل دوم عقل از دیدگاه شیخ مفید

۱۹	۱-۲ مقدمه.....
۲۲	۲-۲ سیمای عقل در نگاه شیخ مفید.....
۲۲	۱-۲-۲ مقام عقل در مباحث نظری و اعتقادی.....
۲۴	۳-۲ اعتبار ادراکات و دلایل عقلی.....
۲۸	۴-۲ قلمرو عقل.....
۲۹	۵-۲ تعارض دلایل عقلی و نقلی.....
۳۰	۶-۲ شیخ مفید و خرد ستیزان شیعه.....
۳۱	۷-۲ شیخ مفید و خرد گرایان عصر وی.....
۳۱	۸-۲ دعوت به ایمان استدلالی.....
۳۳	۹-۲ مناظره با فقیهان و متکلمان.....
۳۴	۱۰-۲ تأثیر مفید در رشد و تحول کلام.....
۳۵	۳-۲ قلمرو عقل در احکام شرعی.....
۳۵	۱-۳-۲ عقل به عنوان دلیل شرعی.....
۳۷	۲-۳-۲ شیخ مفید و مستقلات عقلیه.....
۳۹	۳-۳-۲ شیخ مفید و تمسک به غیر مستقلات عقلیه.....
۳۹	۴-۳-۲ شیخ مفید و فهم عقلانی.....

فصل سوم عقل از دیدگاه علامه مجلسی

۴۱	۱-۳ مقدمه.....
۴۲	۲-۳ معانی عقل از دیدگاه علامه مجلسی.....
۴۴	۳-۳ نقد و بررسی.....
۴۶	۴-۳ نگرشی به آراء مجلسی.....
۴۶	۱-۴-۳ تقدم نقل بر عقل.....
۴۸	۲-۴-۳ مذمت فلسفه.....
۴۸	۳-۴-۳ مجلسی و احکام عقل نظری.....

۵۰۳-۵ عدم حجیت عقل نزد اخباریان
۵۱۳-۶ شواهد بی اعتباری عقل در اندیشه علامه مجلسی
۵۵۳-۷ علامه مجلسی و احکام عقل عملی
۵۶۳-۸ مکتب علمی مجلسی
۵۷۳-۹ عقل از دیدگاه علامه طباطبایی و نقد گفتار علامه مجلسی
۵۹۳-۱۰ جایگاه عقل در اصول دین

فصل چهارم نتیجه گیری و ارزیابی نظرات

۶۶ تطبیق نظرات
۷۳ منابع و مأخذ

فصل اول

کلیات

۱- مقدمه

تاریخ عقل و تعقل، همزاد تاریخ بشری است؛ وجه ممیز انسان از موجودات دیگر، عقل او است و ادمی با تعقل به حیات انسانی خویش ادامه می دهد. تاریخ تعقل با پیدایش آدم آغاز می شود. معمولاً در کتاب های تاریخ فلسفه گفته می شود. تعقل در سواحل آسیای صغیر و در منطقه ایونیا با ظهور طالس و آناکسیمندر شروع شده است و پیش از آن مردم در دوران تخیل می زیسته اند. این سخن اگر درست باشد، که چنین نیست، تنها درباره ی شروع نوع خاصی از تعقل صادق است نه درباره ی پیدایی تعقل و خردورزی به معنای کلی آن. البته توجه به عقل و تعقل فلسفی و به سخنی دیگر، تعقل در باب تعقل فلسفی و نقد و بررسی آن امری متأخر است و بر اساس اطلاعات مکتوب و باقیمانده، ابتدا در زمان سوفسطائیان و سقراط به شکلی ناقص مطرح شده است، پس از آن در عصر جدید با فرانسیس بیکن ورنه دکارت و جان لاک، بار دیگر مسئله معرفت و به خصوص تعقل، مورد توجه جدی قرار گرفت و در آثار ایمانوئل کانت به اوج خود رسید و مساوی با فلسفه شد و در نهایت به علم معرفت شناسی جدید انجامید. هنگامی که به مباحث مطرح شده در تاریخ فکر و فلسفه نظر می کنیم، می بینیم که بین فقهاء و متکلمان و محدثان و فلاسفه و عرفا در بیان حقیقت عقل و ماهیت و حدود آن به ویژه آنگاه که با نقل تعارض ظاهری پیدا می کند اختلاف است. عقل افلاطون با عقل ارسطو، عقل متکلمان با عقل عارفان، عقل دکارت با عقل کانت و ... تفاوت می کند و هر کس معنای خاصی از آن را اراده کرده است. اینجاست که

پیچیدگی مسئله خود را نشان می دهد و معلوم می شود که تلقی انسان ها از چیزی که انسان بودن آنها به آن است ، یکسان نیست . لازمه این اختلاف نظر ، آن نیست که بگوئیم هر کس عقل خاصی دارد که متفاوت و متباین با عقل دیگران است، بلکه می توان گفت این اختلاف به دلیل اختلاف در تفسیر عقل است. اختلاف در تفسیر را نیز می توان به کارکردهای متفاوت عقل و قابلیت های گوناگون آن باز گرداند. بدین سان اهمیت بررسی عقل و تعقل از دیدگاه شیخ مفید و علامه مجلسی در این تحقیق روشن می شود.

۱-۱-۱ شرح و بیان مسئله پژوهشی

در مکتب حیات بخش اسلام عقل جایگاه ویژه ای دارد. عقل و مباحث مربوط به آن از مهمترین موضوعات مورد بحث فیلسوفان و اندیشمندان بوده است. عقل به معنای تدبر، حسن فهم ، ادراک ، وضع و امساک است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۹۶) عقل از نظر شیعه امامیه یکی از منابع تشریح است و تکلیف و ثواب و عقاب بر محور آن دور می زند و عقل مناط آنهاست. عقل هدیه خدا به خلق و حجت باطنی اوست بر خلق. در منابع دینی آمده است که عقل اولین مخلوق خداوند متعال و دوست داشتنی ترین موجودات پیش اوست. شیخ مفید در حجیت کتاب و سنت، فهم کتاب و سنت، تخصیص و تقیید حکم ، ترجیح روایتی بر روایت دیگر و... نظارت و دخالت عقل را ضروری می داند. شیخ مفید با آشنایی کاملی که از مکتب اهل حدیث داشت از جمود گرایی و عدم تعمق در روایات به شدت انتقاد می کرد. از نظر شیخ مفید عقل برای آن است که از آموزه های اساسی که از طریق وحی الهی استقرار یافته است دفاع کند. این استفاده دفاعی از عقل در سراسر کلام شیخ آشکار است. (مکدموت ، ۱۳۷۲: ۸۳ و ۸۴) علامه مجلسی عقل را قوه ادراک خیر و شر و تمیز حق و باطل در معرفت اسباب امور می داند. در نظر او عقل مناط تکلیف ثواب و عقاب است. با چنین قوه ای درجات تکلیف تفاوت پیدا می کند و این قوه با علم و عمل تقویت می شود. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۹۹ و ۱۰۰)

با توجه به نقش اساسی این دو متفکر در شکل بخشیدن به اندیشه های بعد از خود و اشراف بر دیدگاه این دو تن در باب عقل با زوایای اندیشه این دو آگاه می شویم. برای دست یافتن به دیدگاه افراد مذکور پیرامون عقل به کنکاش های ژرف و تحلیل های عمیق نیاز است که این پایان نامه در صدد است به بررسی و تحلیل عقل از دیدگاه افراد مذکور بپردازد و نظرات آنان را تبیین و مقایسه نماید.

۱-۱-۲ پرسش ها:

۱. دیدگاه شیخ مفید درباره جایگاه عقل چیست؟

۲. دیدگاه علامه مجلسی درباره عقل چیست؟

۳. موارد اشتراک این دو تن در مورد عقل و حجیت عقل کدام است؟

۴. موارد اختلاف این دو تن در مورد عقل و حجیت عقل کدام است؟

۱-۱-۳ اهداف تحقیق:

۱. تبیین نظرات شیخ مفید و علامه مجلسی درباره جایگاه عقل.

۲. بدست آوردن وجوه اشتراک نظرات شیخ مفید و علامه مجلسی درباره جایگاه عقل.

۳. بدست آوردن وجوه اختلاف نظرات شیخ مفید و علامه مجلسی درباره جایگاه عقل.

۱-۱-۴ اهمیت و ارزش تحقیق:

عقل موهبتی الهی است که انسان از طریق آن علم نافع و هدایت گر به سوی عمل صالح را کسب می نماید و عمل و معرفت موجب راهیابی و هدایت او به دین و آئین حق می گردد. لذا اهمیت و ارزش تحقیق در این است که از طریق به دست آوردن ویژگی های عقل از منظر شیخ مفید و علامه مجلسی جایگاه حقیقی عقل مشخص شود تا از جمود گرایی و عدم تعمق جلوگیری شود.

۱-۱-۵ پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق : (مطالعات و تحقیقاتی که در رابطه با این موضوع

صورت گرفته و نتایج حاصل از آن)

هیچ کتابی به صورت مجزا و مشخص در باب مسئله عقل از دیدگاه شیخ مفید و علامه مجلسی مشاهده نشده است. مجموعه مقالات محسن کد یور در کتاب دفتر عقل به این موضوع پرداخته است.

۱-۱-۶ روش تحقیق:

۱. تحلیل محتوا - ۲. اسنادی

۱-۱-۷ کاربرد نتایج تحقیق:

ضمن اعتراف به وجود ضعف ها و نقص های احتمالی در این اثر، به خاطر برخی محدودیت ها و موانع، ویژگی های ذیل را می توان برای آن منظور داشت:

۱. انتشارات علمی.
۲. تا حدی که به حیث علمی تحقیق لطمه وارد نشود، سعی شده مباحث به صورت ساده نوشته شود مطالب در قالب عباراتی مختصر و روان ارائه گردد.
۳. از بین دلایل مطرح شده برای اثبات مسائل، متقن ترین آنها انتخاب و تحلیل شده است.

۱-۲ معنای عقل در لغت و اصطلاح

واژه عقل مصدر (عقل یعقل) است که در کتاب های لغویین به معنای مختلفی به کار رفته است.

عقل در لغت به معنای خرد، اندیشه، هوش و فهم و معرفت به کار رفته است. (دهخدا، ۱۳۲۵، ۳۷۰ و ۴۱۲)

معنای اصلی عقل در لغت عرب، منع، نهی، امساک، حبس و جلوگیری است.

«العقل: الحابس عن ذمیم القول والفعل» عقل، مانع از گفتار و کردار ناپسند است. (ابن فارس، ۱۳۸۹، ج ۴: ۶۹)

«العقل، الحِجْر و النُّهْي، ضِدُّ الحُمُق» (ابن منظور، ۱۴۱۲، ج ۱۱: ۴۵۸) «حجر» یعنی ممنوعیت و محدودیت به همین سبب آن را که ممنوع التصرف است، اصطلاحاً محجور می نامند. «نهی» نیز از نهی به معنی بازداشتن مشتق شده است. علاوه بر این حمق یا حماقت نیز در مقابل عقل قرار دارد. لسان العرب در ادامه می افزاید: «العقل الذی یحبس نفسه و یُرُدُّها عن هواها» عاقل کسی است که خود را حفظ می کند و نفس خود را از آنچه میل دارد باز می دارد.

براساس این سخنان، عقل نوعی حبس و ممنوعیت برای انسان است. عقل انسان وی را از انجام پاره ای اعمال منع می کند. این به خاطر آن است که عقل وسیله نوعی ادراک و فهمیدن است. شخص با وجود آن خود را مجاز به انجام اعمال ناشایست نمی داند، زیرا زشتی آن را می فهمد. بنابراین فهم و ادراک عقلانی انسان را از لاقیدی خارج می کند و به بند تقید می کشد. در مقابل برای کسی که فاقد این فهم است چنین محدودیتی معنا ندارد. او از

هر قید و بندی آزاد است. چون آنچه را عاقل می فهمد او نمی فهمد. از این عدم فهم به حتم یا حماقت تعبیر می شود. جرجانی معتقد است عقل صاحبش را از انحراف به راه کج منع می کند.^۰ (جرجانی، ۱۳۰۶: ۶۵)

یکی از مترادفات عقل (نهیة) است که در قرآن به صورت جمع (نهی: خردها) به کار رفته است. (ر.ک: سوره طه ، آیات ۵۴ و ۱۲۸) از آنجا که عقل از امور قبیح نهی می کند ، به عقل نهیة می گویند. (القیومی ، ۱۴۱۴: ۶۲۹)

در مفردات راغب در مورد عقل چنین آمده است: عقل به آن قوه ای گفته می شود که آماده پذیرفتن علم و دانش است و گاهی نیز به دانشی می گویند که به وسیله همین قوه به دست آمده است. در اطلاق اول عقل به معنای عاقل و در دومی به معنای معقول گرفته شده است. (راغب ، ۱۴۱۲: ۳۴۱ و ۳۴۲) اصل عقل ، امساک ، پیوند دادن و نگهداشتن است و به همین دلیل به عقال شتر ، عقل شتر می گویند. (همان: ۳۴۱ و ۳۴۲).

معنای اصطلاحی عقل در تاریخ اندیشه شرق و غرب ، تفسیرهای مختلفی دارد. (ر.ک : علامه مجلسی ، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۷؛ ملاصدرا ، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۲۲ ، ۲۲۹)

برای مثال عقل یا (NOUS) برای آناکساگوراس معبودی است مجرد از عالم که با ایجاد حرکت نخستین و چرخشی در توده اولیه جهان ، باعث پیدایش عالم کنونی می گردد. عقل در نگاه افلاطون، وسیله ای است که آدمی با استفاده از آن و براساس دیالکتیک به عالم مثل عروج کرده ، صورت های کلی (مثل) را شهود می کند. ارسطو، عقل را قوه ای می داند که صورت های کلی را از افراد جزئی انتزاع می کند و نیز از بدیهیات به نظریات می رسد.

عقل در نظر دکارت ، قوه ای است که تصورات فطری را در خود دارد. برای کانت عقل نظری ، همان قوه استنتاج با واسطه یا استنتاج قیاسی است و عقل عملی منشأ تکلیف اخلاقی.

با این همه بدون در نظر گرفتن تفسیرهای جزئی ، می توان گفت در فلسفه و کلام برای عقل دو اصطلاح کلی قابل تشخیص است در یکی از این دو اصطلاح عقل موجودی است که ذاتاً و فعلاً مجرد بوده و به طور مستقل یعنی بدون تعلق به نفس و بدن موجود است. بسیاری از فیلسوفان به مقتضای قاعده الواحد لا یصدر منه الا الواحد و قاعده امکان اشرف و دلایل دیگر وجود سلسله ای از عقول را تصویر کرده اند که واسطه فیض الهی اند. (الراغب ، ۱۴۱۲: ۵۷۷) بدین ترتیب که از خدا تنها یک موجود که عقل اول نامیده می شود صادر گشته و از آن عقل دوم ، عقل سوم تا عقل دهم که عقل فعال نام دارد ، برسد. عالم طبیعت از عقل فعال صادر شده است. این

عقول ، عقول طولی هستند و در میانشان رابطه علیت برقرار است. شیخ اشراق ضمن اثبات عقول طولی مشائین ، تعداد آنها را بیش از ده دانسته و گذشته از عقول طولی به عقول عرضی یا ارباب انواع معتقد گشته است. (کربن ، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۳۹ و ۱۵۴ به بعد) صدر الدین شیرازی ضمن پذیرفتن ارباب انواع تبیین خاصی درباره ی آن ارائه کرده است. (ر.ک : ملاصدرا ، الحکمه المتعالیه ، ۱۴۱۰، ج ۱ : ۳۰۷ و ج ۲: ۳۴۶ به بعد و ج ۸ : ۳۳۲). در اصطلاح دیگر ، عقل یکی از قوای نفس انسانی است در این معنا ، عقل با نفس متحد است و یکی از قوا و مراتب آن به شمار می رود و در مقابل قوای خیال ، وهم و حس قرار می گیرد. عقل قادر به ادراک کلیات است و می تواند مسائل نظری را از مقدمات بدیهی و معلوم استنباط کند. این عقل به ملاحظه مدرکاتش دو نوع است: عقل نظری و عقل عملی. برخی عقل انسانی را به عقل استدلالگر یا جزئی (Ratio) و عقل شهودگر یا کلی (Intellectus) تقسیم کرده اند. عقل استدلالگر همان عقلی است که نظریات را از میان بدیهیات و معلومات بر می آورد. اما عقل شهودگر مستقیماً حقایق را شهود و وجدان می کند.

بسیاری از فیلسوفان درباره نحوه ارتباط عقل انسانی و عقل مستقل ، معتقدند کلیات عقلی در عقل فعال قرار دارد و هم اوست که این کلیات را بر عقول انسانی افاضه می کند. عقل یکی از منابع چهارگانه احکام است. لذا در علم اصول ، اصولیون بحث از عقل و حجیت آن را تدوین نموده اند و تحت عنوان «حجیت قطع» آورده اند ، در حالی که اخباریون منکر حجیت عقل می باشند.

۱-۳ عقل نزد مترجمان و مفسران قرآن

علامه طباطبایی ذیل آیه «كذٰلِكَ يُبَيِّنُ اِلٰهٌ لِّكُم آيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ» (بقره: ۲۴۲) به تفصیل در این باره سخن گفته که چکیده آن چنین است:

کلمه عقل در اصل لغت به معنای بستن و گره زدن است و به همین معناست ادراک هایی که انسان دارد آنها را در دل پذیرفته عقد قلبی نسبت به آنها بسته است و نیز مدرکات آدمی را و آن قوه ای که در خود سراغ دارد و به وسیله آن خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می دهد عقل نامیدند. که مقابل آن جنون و سفه و حتم و جهل است که هر کدام به اعتباری استعمال می شود. ایشان در جای دیگر می نویسند: عقل که مصدر برای (عقل یعقل) است ، به معنای ادراک و فهمیدن چیزی است البته ادراک و فهمیدن کامل و تمام . علامه طباطبایی قوه نامیدن عقل را تسامحی و عقل را همان نفس مدرکه انسان می شمارد. (طباطبایی ، ۱۳۷۴، ج ۱ : ۴۴).

استعمال لفظ عقل برای ادراک از این جهت است که در ادراک دل بستن به تصدیق وجود دارد و خدا تشخیص حق و باطل را در علوم نظری و خیر و شر و نفع و ضرر را در علوم عملی در فطرت انسان نهاده است ... اما اگر مغلوب قوای دیگر شد و از صراط حق منحرف گردید در حقیقت دیگر عقل نیست.

در تفسیر کشف الاسرار ذیل آیه‌ی ۱۶۴ سوره‌ی بقره «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» آمده است: عقل عقال دل است؛ یعنی دل را از غیر محبوب در بند آورد و از هوس های ناسزا باز می دارد و عقل نور است و جای آن دل است نه دماغ . و مایه و فایده عقل آن است که دل انسان زنده گردد پس هر که را عقل نیست، در شمار زندگان نیست. البته نکاتی در این تعریف آمده است: اول آنکه به معنای لغوی عقل که بازدارنده از زشتی هاست، اشاره شده است. دوم آنکه جایگاه عقل را بیان کرده و سوم تکلیف را متوجه کسانی کرده که دارای عقل باشند لذا افرادی که عقل ندارند مانند دیوانگان تکلیفی ندارند و در نتیجه عقل وسیله و ابزار معرفت بیان شده است. (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۴۰ تا ۴۴۲)

۱-۴ بررسی ارتباط واژه عقل با سایر لغات

ابن هلال عسکری در کتاب «الفروق اللغویه» در مورد لغاتی که از نظر معنایی با «عقل» افتراق دارند ولی وجود واژه عقل در همه آنها مشترک است توضیحاتی داده است که بنابراین تعاریف، این کلمات مترادف عقل نیستند بلکه مناسباتی با واژه‌ی عقل دارند که به تلخیص ترجمه آن اشاره می گردد:

افتراق میان «علم» و «عقل»، عقل همان علم اولیه ای است که انسان را از انجام قبائح منع و نهی می کند.

افتراق میان «عقل» و «لب»، لب همان عقل صاف و خالص و تصفیه آن است.

افتراق میان «عقل» و «أرب»، أرب وفور و فراوانی عقل است .

فرق بین «عقل» و «نهی»، نهی همان انتها و نهایت شناخت و تمایز و قدرت ممیزه است.

فرق بین «عقل» و «حجا» حجا همان ثبات عقل است .

افتراق بین «عقل» و «ذهن» ذهن نقیض سوء فهم (کج فهمی) به عبارتی وجود حافظه و قدرت حفظ آنچه را که یاد گرفته شده است .

در برخی از احادیث، جهل در مقابل عقل قرار می‌گیرد. حتی محدثان بزرگی چون کلینی «عقل و جهل» را عنوان بابی از ابواب کتاب‌های روایی خویش نهاده‌اند نه عنوان «علم و جهل» را. البته در احادیث گاه به تقابل علم و جهل نیز بر می‌خوریم. مثلاً امام علی (ع) می‌فرماید: «جهل، ثروتمند را پست می‌گرداند و علم، فقیر را بالا می‌برد.» (الآمدی، ۱۳۶۶، ح ۴۷۶۵: ۴۵۰) اما معمولاً عقل در برابر جهل قرار گرفته است. امام علی (ع) می‌فرماید: «عقل هدایت و نجات می‌بخشد و جهل گمراه و نابود می‌گرداند.» (الآمدی، ۱۳۶۶، ح ۲۱۵۱: ۲۷۵) باز می‌فرماید: «عقل بر عقل خویش و جاهل بر اهل و ارزویش تکیه می‌کند.» (الآمدی، ۱۳۶۶، ح ۱۲۴۰: ۲۱۱) از احادیثی که درباره عقل و جهل وارد شده است چنین برمی‌آید که ویژگی‌ها و آثار بیان شده برای عقل و جهل، درست در نقطه مقابل یکدیگرند و می‌توان نتیجه گرفت که به طور کلی عقل و جهل دو نیروی متضاد در انسانند. اما از این که عقل در مقابل شهوت نیز قرار دارد، می‌توان نتیجه گرفت که جهل در این احادیث به معنای شهوت نیز هست.

۱-۵ جایگاه عقل در فرهنگ اسلامی

۱-۵-۱ عقل در قرآن

در مکتب حیات بخش اسلام، عقل جایگاه ویژه‌ای دارد. خدای سبحان نعمت‌های بی‌شماری را بر انسان در طول تاریخ حیاتش ارزانی نموده است. اما از میان همه نعمت‌هایش دو هدیه بزرگ است که ویژگی خاص دارند و آن دو را حجت و دلیل و راهنمای آدمیان برای رسیدن به کمالاتش قرار داد: یکی از آن دو پیامبر (ص) است و دیگری عقل است که خداوند وقتی به آدمیان آن را ارزانی داشت فرمود: (لقد کرّمنا بنی آدم... و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً) (اسراء/ ۷۰) ما بنی آدم را کرامت بخشیدیم... و بر بسیاری از آفریده‌هایمان برتری داده‌ایم. مراد از این فضیلتی که در این آیه به آن اشاره شده، عقل است.

قرآن کریم آیات بسیاری را به عقل اختصاص داده است و از مردم می‌خواهد که از اندیشه به ایمان برسند. علامه طباطبائی می‌نویسد: «اگر کتاب الهی را تفحص کامل کرده و در آیاتش دقت کنید خواهید دید که شاید بیش از سیصد آیه هست که مردم را به تفکر، تذکر و تعقل دعوت کرده است و یا به پیامبر (ص) استدلالی را برای اثبات حقی و یا از بین بردن باطلی می‌آموزد... خداوند در قرآن حتی در یک آیه بندگان خود را امر نفرموده که نفهمیده به خدا و یا هر چیزی که از جانب اوست ایمان آورند و یا راهی را کورکورانه بپیمایند. حتی

قوانین و احکامی که برای بندگان خود وضع کرده و عقل بشری به تفصیل ملاک های آن را درک نمی کند، علت آورده است.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۵۵)

کوتاه سخن اینکه آیات قرآنی با واژه های گوناگون از قبیل: تفکر، لب، نهی، فقه، شعور، بصیرت، درایت، ذکر و ... از عقل ستایش کرده و به کارگیری آن را تشویق می کند و با بهره گیری از حجت عقلی در اثبات معارف اسلامی (سوره مومنون / ۹۱، و سوره انبیا / ۲۲) و طلب برهان عقلی از مخالفان (سوره بقره / ۱۱۱) و تبیین لغزش گاههای عقل (سوره اسراء / ۳۶، و سوره نجم / ۲۳، سوره بقره / ۱۷۰، سوره احزاب / ۶۷) بر اعتبار و حجیت آن صحنه می گذارد.

در قرآن کریم مشتقات عقل در چندین مورد استفاده شده است که شاید بتوان گفت همان فهم درست و دقیق و دریافت صحیح از حقایق عالم است. در قاموس چنین آمده است «عقل الشی، فهمه» (فیروز آبادی، ۱۹۹۱، ج ۴، واژه عقل) این نوع فهم از حاکم فطرت انسانی ناشی می شود و گرایشات نفسانی در این فهم دخالت ندارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۵۵)

۱-۵-۱-۱- تمجید از خردمندان

آیاتی از قرآن به تحسین و تمجید خردمندان و اهل تعقل و تفکر و تعلیم و تعلم می پردازد تا با الگوسازی مناسب، سایر انسانها به ویژه مؤمنان را تشویق و تحریض به تعقل نماید؛ مثل آیاتی که در مورد اولوالالباب و اهل تعقل و تفکر و ... آمده است. راجع به اولوالالباب می فرماید: «ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الليل و النهار لآیات اولوالالباب الذین یدکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً فقنا عذاب النار ... ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا علی رسلک و لاتخزنا یوم القیامه ... فاستجاب لهم ربهم» [آل عمران / ۱۹۱-۱۹۵] در خلقت آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه هایی برای خردمندان است، همان هایی که ایستاده و نشسته و بیهوده نیافریدی و پاک و منزهی؛ پس [به لطف خویش] ما را از عذاب [جهنم] حفظ کن، پروردگارا گناهان ما را بیامرز و بدیهای ما را بپوشان و ما را با نیکان بمیران! پروردگارا! آنچه را به رسولانت وعده داده ای، به ما هم عطا کن و ما را روز قیامت خوار مگردان. آنگاه خدای سبحان دعایشان را اجابت فرماید.

از این آیات استنباط می گردد که خردمندان جایگاه بلندی در نزد خدای سبحان دارند تا بدانجا که خداوند آنها را مستجاب الدعوه دانسته است و این مقام والایی است که خداوند به عنوان پاداش توجه همیشگی شان به